

کارکرد و میزان آمادگی زنان ایرانی برای مقابله با کنش‌های جمعی اعتراض‌آمیز^۱

محمدحسین الیاسی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۰/۱۵

تاریخ تأیید مقاله: ۸۷/۱۱/۲۰

صفحات مقاله: ۴۳ - ۶۴

چکیده:

بسیاری از صاحب‌نظران و تحلیل‌گران سیاسی و اجتماعی بر این باورند که وقوع کنش‌های جمعی اعتراض‌آمیز از جمله ویژگی‌های بسیاری از جوامع کنونی است. چه، سیاست‌ها و فرآیندهای حاکم بر آن جوامع مانع از برآوردن برخی مطالبات و انتقادات برخی از شهروندان می‌گردد. از همین روی، گروه‌های اپوزیسیون با تدابیر از پیش طراحی شده، شهروندان معترض و ناراضی از جمله زنان را تهییج و تحریک به بروز کنش‌های ضد امنیتی و مخرب می‌نمایند. تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد که نهادهای سیاسی و امنیتی تنها زمانی، می‌توانند کنشگران معترض را از استمرار رفتارهای ضد امنیتی باز دارند که از گروه‌های مختلف از جمله زنان، برای مقابله با آنان بهره‌گیرند. اما به کارگیری هر یک از گروه‌ها، از جمله زنان، برای مقابله با کنشگران معترض مستلزم آگاهی از میزان آمادگی و استقبال آنان برای مقابله با معترضان است. به همین سبب در پژوهشی روشمند و ملی میزان آمادگی دختران و زنان ایران برای مقابله با بحران‌های شهری (و کنش‌های اعتراض‌آمیز) مورد سنجش قرار گرفت. یافته‌ها، بیان‌گر آمادگی نسبتاً بالای زنان و دختران ایرانی برای مقابله با بحران‌های شهری بود. اما در این زمینه تفاوت‌های معناداری بین زنان استانهای مختلف، و نیز زنان بسیجی، سپاهی و عادی وجود داشت.

* * * * *

کلیدواژگان

کنش جمعی اعتراض‌آمیز، آمادگی و کارکرد زنان، روش‌های مقابله با شورش.

مقدمه

روانشناسان برای تبیین رفتارهای جمعی اعتراض‌آمیز از چند نظریه بهره می‌جویند که مهمترین آن نظریه‌ها عبارتند از: نظریه «جماعت متمرکز» گوستاولوبن^۱، نظریه «روان تحلیل‌گری» فروید^۲، نظریه «محرومیت نسبی»، تدگورو «دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی».

لوبن از پیشقدمان مطالعه پیرامون نقش‌های جمعی است. او حاصل مطالعات خود را در قالب یک نظریه در کتاب «جماعت»^۳ منتشر ساخته است. به باور او، رفتار مردم زمانی که در یک هیجان جمعی گرفتار شده‌اند با رفتار آنان در گروه‌های کوچکتر و به صورت فردی، تفاوت آشکار دارد. چه، افراد در یک جماعت متمرکز ناراضی آنچنان رفتارهای قهرمان‌آبانه و وحشیانه‌ای از خود بروز می‌دهند که به تنهایی هرگز حتی جرأت اندیشیدن پیرامون آن را ندارند.

در دیدگاه روان تحلیل‌گری، که مبدع آن زیگموند فروید است، نظام روانی^۴ انسان به منزله یک نظام هیدرولیکی تلقی می‌شود که فشارهای حاصل از «محرومیت‌های اقتصادی-اجتماعی»، «تنش‌های سیاسی» و «تضادهای روان‌شناختی» به صورت فزاینده در آن متراکم می‌شوند (فروید، ۱۹۳۳). اما نظام روانی انسان یک «سازوکار سرکوبگری»^۵ دارد که تنش‌ها و تعارضات را بر اثر مصالح فردی و اجتماعی واپس می‌زند. لیکن این فشارها و تنش‌ها در ساختمان ناهشیار^۶ ذهن فعال باقی می‌مانند و مترصد فرصتی هستند تا خود را بنمایانند. اگر تراکم

-
1. G. Lebon's the crowd theory
 2. Freud's Psychoanalysis theory
 3. the crowd
 4. Mental System
 5. Repression Mechanism
 6. Unconscious

فشارها، و سرکوبگری ناشی از آن، آنقدر افزایش پیدا کند که ورای تحمل روان‌شناختی افراد شود، آنگاه ماهیت تخریبی پیدا می‌کند و به صورت کنش‌های تکانه‌ای و تهاجمی بروز می‌کند. البته، در این زمینه استثناهایی وجود دارد که یکی از آنها زمانی است که مقامات سیاسی و حکومتی با تعبیه سوپاپ‌های اطمینان زمینه بروز اجتماعی‌پسند و تعدیل شده فشارها را فراهم می‌سازند. (بارون^۱، ۱۹۹۲)

نظریه محرومیت نسبی اساساً برای تبیین اغتشاشات و کنش‌های اعتراض‌آمیزی فرمول‌بندی شده است که در دهه ۶۰ میلادی در آمریکا رخ داد. گور (۱۹۶۷) بر این باور است که با این نظریه می‌توان تنش‌های جمعی اعتراض‌آمیز را تبیین کرد. او در این باره می‌نویسد:

«پیش‌شرط لازم برای ستیز خشونت‌آمیز مدنی وجود محرومیت نسبی است که موجب می‌شود کنشگران بین توقعات ارزشی خویش و قابلیت‌های ارزشی ظاهری محیط تفاوت قائل شوند. توقعات ارزشی^۲ آن دسته از خواسته‌ها و شرایط زندگی است که مردم خود را مستحق آن می‌دانند. قابلیت‌های ارزشی^۳ نیز اشاره به اموری دارند که عمدتاً در محیط اجتماعی و فیزیکی باید یافت شوند.» (گور، ۱۹۶۷، ۲۵۲)

این نظریه تأکید می‌کند که کنش جمعی خشونت‌آمیز زمانی رخ می‌دهد که تعداد چشمگیری، و نه تعداد کمی، از افراد اجتماع احساس محرومیت کنند. در چنین شرایطی «هر چقدر محرومیت نسبی شدیدتر باشد احتمال و شدت خشونت مدنی بیشتر خواهد بود.» (گور، ۱۹۷۰، ۲۵۴)

روان‌شناسان اجتماعی نیز در مورد واکنش‌های شدید و پرخاشگرانه در

-
1. Baron
 2. Value Expectations
 3. Value Capabilities

تجمعات اعتراض‌آمیز تبیین‌های مختلفی ارائه داده‌اند. مثلاً گفته شده است که دلیل عمده شدت یافتن کنش‌های افراد در جمع، پدیده‌ای است به نام «تسهیل اجتماعی»^۱. گرچه این اصل را اولین بار نرمن تریپلت^۲ برای تبیین کنش‌های رقابت‌آمیز غیرپرخاصگرانه مورد استفاده قرار داده است (کریمی، ۱۳۷۴)، اما امروزه از آن برای تبیین کنش‌های جمعی اعتراض‌آمیز نیز استفاده می‌شود. (تایلور و دیگران، ۲۰۰۰)

اصل تسهیل اجتماعی اذعان می‌دارد که حضور دیگران موجب تشدید کنش‌های تک‌تک افراد می‌شود. تایلور و دیگران (۲۰۰۰) در تبیین این اصل مدلی به شرح زیر ارائه داده‌اند:

تصویر ۱: تسهیل اجتماعی (تشدید کنش‌های افراد در گروه)



روش

جامعه آماری: جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه زنان سپاهی، بسیجی و عادی سراسر کشور است که در سنین ۱۵ تا ۵۰ سالگی قرار دارند.

نمونه روش نمونه‌گیری: برای انتخاب حجم نمونه هر یک از گروه زنان عادی و بسیجی و سپاهی از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده، حجم نمونه

1. Social Facilitation
2. Norman Triplett

بر حسب خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵٪ (نمونه‌گیری تصادفی ساده) و خطای نمونه‌گیری ۲٪ با استفاده از جدول دواس ۲۱۰۰ نفر تعیین شد. (دواس، ۱۳۸۱، ۷۹)

نمونه‌گیری در سه گروه به شرح زیر برآورد شد:

- زنان عادی ۱۳۶۰ نفر

- زنان بسیجی ۶۸۰ نفر

- زنان سپاهی ۲۴۰ نفر

که در نهایت حجم نمونه به ۲۱۲۰ نفر رسید.

برای انتخاب استان‌ها نیز تقسیم‌بندی سازمان برنامه و بودجه ملاک عمل قرار گرفت. برای این منظور، از بین مناطق چندگانه ۸ استان انتخاب گردید.

ابزار اندازه‌گیری: برای سنجش میزان آمادگی زنان ایران جهت مقابله با کنش‌های اعتراض‌آمیز، بیشتر بخش ویژگی‌های فردی زنان از یک مقیاس چندماده‌ای استفاده شد. این مقیاس که بر اساس یک طیف ۳ درجه‌ای تهیه شده بود ابتدا بر روی یک گروه ۵۰ نفره اجرا و پایانی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شده نتیجه نشان داد که آزمون از پایایی بالا (۷۹٪) برخوردار است.

یافته‌ها

۱- شرکت در تظاهرات علیه شورشگران
میزان آمادگی پاسخ‌دهندگان برای شرکت در تظاهرات و راهپیمایی علیه گروه‌های شورشگر ۸۵ درصد کل پاسخ‌دهندگان آمادگی خود را (در حد خیلی زیاد و زیاد) برای شرکت در تظاهرات علیه شورشگران ابراز داشتند. و تنها ۴/۲ درصد از پاسخگویان جواب منفی داده‌اند و ۵/۱ درصد نیز پاسخی به این پرسش ندادند. ۹/۶ درصد نیز در محدوده بی‌نظر در طیف مربوطه قرار گرفته‌اند.

در مجموع یافته‌ها نشان‌گر این واقعیت است که تنها حدود ۱۵ درصد زنان پاسخگو حاضر نیستند در تظاهرات علیه شورشگران شرکت کنند. در حالی که ۸۵ درصد آنان برای انجام تظاهرات علیه مخالفان آمادگی کامل دارند.

۲- درگیری غیرمسلحانه با شورشگران

در یکی از مواد مقیاس اندازه‌گیری زنان برای درگیری غیرمسلحانه با شورشگران مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل حدود ۳۴ درصد (یک سوم) زنان برای درگیری غیرمسلحانه آمادگی ندارند. اما یک سوم (۳۳/۵ درصد) آنها اظهار داشته‌اند که برای درگیری با شورشگران آمادگی کامل (خیلی زیاد) دارند. البته پاسخ‌های آزمودنی‌ها تجانس زیادی ندارد، یعنی در حالی که عده‌ای برای درگیری غیرمسلحانه با شورشگران آمادگی کامل دارند، عده دیگری اصلاً آمادگی ندارند. ثانیاً در مجموع به هنگام وقوع شورش‌های خیابانی در صورت نیاز تنها روی یک سوم زنان پاسخگو اظهار آمادگی صددرصدی نموده‌اند.

۳- آمادگی برای مقابله مسلحانه با شورشگران

در یکی دیگر از مواد مقیاس اندازه‌گیری میزان آمادگی زنان برای «مقابله مسلحانه با شورشگران» مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. نتایج بیانگر آن است که: ۴۳/۳ درصد پاسخ‌دهندگان تمایلی به مقابله مسلحانه با شورشگران ندارند. در حالی که در مجموع ۵۴ درصد از پاسخگویان تمایلی خیلی زیاد و زیاد برای مقابله مسلحانه با شورشگران داشتند و ۲/۷ درصد از پاسخگویان به این پرسش پاسخی ندادند.

شاخص‌های مرکزی سه‌گویه و مقایسه میزان آمادگی زنان در سه مؤلفه

برای پاسخ به این سؤال که: «زنان به هنگام وقوع یک شورش یا یک بحران سیاسی - امنیتی داخلی برای چه نوع فعالیتی بیشتر آمادگی دارند؟» شاخص مرکزی پاسخ‌های آنان در سه گویه محاسبه، آنگاه میانگین‌های آنان در کل آن سه‌گویه با یکدیگر مقایسه شد. نتایج حاصل در جداول زیر درج شده است:

جدول شماره ۴- شاخص‌های مرکزی مربوط به سه گویه ۲۲-۲۰

شماره گویه	نام گویه	تعداد (N)	میانگین (X)	انحراف معیار (S)
۲۰	تظاهرات علیه آشوبگران	۲۰۰۵	۳/۴۵	۰/۸۴
۲۱	درگیری غیرمسلحانه با شورشگران	۲۰۷۴	۲/۹۰	۰/۹۷
۲۲	درگیری مسلحانه با شورشگران	۲۰۵۵	۲/۶۷	۰/۹۸

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بیشترین میزان آمادگی مربوط به گویه «تظاهرات علیه آشوبگران» ($\bar{X} = 3/45$) و کمترین مربوط به گویه «درگیری مسلحانه با شورشگران» ($\bar{X} = 2/67$) است. خلاصه نتایج حاصل از مقایسه میانگین‌های مندرج در جدول بالا، در جدول زیر درج شده است:

جدول شماره ۲- تجزیه و تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین تفاوت نمرات

آمادگی زنان جهت کنش‌های مختلف مقابله با شورشگران

منابع تغییر	درجه آزادی	مجموع مجدورات	میانگین مجدورات	f	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۲	۹۳/۲۹	۴۶/۶	۱۹۶	۰/۰۱
درون گروه‌ها	۱۹۶۷	۱۳۱۱/۴۵	۰/۶۶	۶۹	۰

جمع	۱۶۹۶	۱۴۰۴/۷۵		
-----	------	---------	--	--

همان‌گونه که جدول بالا نشان می‌دهد بین میانگین‌های زنان در سه مؤلفه رفتاری مقابله با شورشگران تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد. اجرای آزمون تعقیبی توکی نشان داد که این تفاوت بین هر سه گروه وجود دارد. به تعبیر دیگر، میزان آمادگی زنان برای تظاهرات علیه شورشگران بیش از آمادگی آنان برای درگیری غیرمسلحانه و درگیری مسلحانه با شورشگران است. همچنین، میزان آمادگی زنان برای درگیری غیرمسلحانه با شورشگران بیش از آمادگی آنان برای مقابله مسلحانه است.

مقایسه زنان سه گروه از حیث آمادگی برای مقابله با شورشگران

میزان آمادگی زنان سه گروه (سپاهی، بسیجی و عادی) در هر یک از سه روش مقابله شورشگران مورد مقایسه قرار گرفت. برای این منظور ابتدا شاخص‌های مرکزی (میانگین و انحراف معیار) پاسخ‌های هر یک از گروه‌ها در هر یک از سه روش محاسبه و در جدول زیر درج شود.

جدول شماره ۳- میانگین و انحراف معیار پاسخ‌های آزمودنی‌های سه گروه

در هر یک از سه روش مقابله با شورشگران

عادی			بسیجی			سپاهی			روش
S	X	N	S	X	N	S	X	N	
۰/۸۴	۳/۴۴	۱۲۳۲	۸۱	۳/۴۹	۵۱/۴	۹۳	۳/۴۱	۲۰۹	تظاهرات علیه شورشگران
۰/۹۷	۲/۸۹	۱۲۷۴	۰/۹۸	۲/۹۱	۵۷۱	۰/۹۴	۲/۹۶	۲۲۹	درگیری غیرمسلحانه
۰/۹۹	۲/۶۶	۱۲۵۹	۰/۹۴	۲/۷۰	۵۷۱	۰/۹۹	۲/۶۴	۲۲۵	مقابله مسلحانه

میانگین‌های سه گروه در هر یک از سه نوع کنش مورد بررسی با استفاده از آزمون آماری تجزیه و تحلیل واریانس یکطرفه مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج حاصل در جدول زیر درج گردیده است.

جدول شماره ۴- خلاصه تجزیه و تحلیل واریانس برای مقایسه تفاوت نمرات میزان آمادگی سه گروه در هر یک از سه نوع کنش

منابع تغییر	درجه آزادی	مجموع مجدورات	میانگین مجدورات	f	سطح معناداری
تظاهرات بین گروهها درون گروهها جمع	۲	۱/۳۸			
	۲۰۰۲	۱۴۲۹/۴۱	۰/۶۹	۰/۹۷	—
	۲۰۰۴	۱۴۳۰/۷۹	۰/۷۱		
درگیری بین گروهها درون گروهها جمع	۲	۰/۹۹			
	۲۰۷۱	۱۹۴۴/۱۰	۰/۵۰	۰/۵۳	—
	۲۰۷۳	۱۹۴۵/۰۹	۰/۹۴		
مقابله درون گروهها جمع مسلحانه	۲	۰/۸۶			
	۲۰۵۲	۱۹۶۰/۴۶	۰/۴۳	۰/۴۵	—
	۲۰۵۴	۱۹۶۱/۳۳	۰/۹۵		

همان‌گونه که جدول بالا نشان می‌دهد در هیچ یک از سه کنش، بین زنان سه گروه تفاوت آماری معنی‌داری وجود ندارد. اما همان‌گونه که جدول شماره (۳) نشان می‌دهد میزان آمادگی بسیجیان هم برای درگیری غیرمسلحانه با شورشگران و هم برای مقابله مسلحانه از نظر فراوانی بیش از دو گروه دیگر است. لیکن، این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نیست. یعنی هر سه گروه دارای الگوی پاسخ‌دهی مشابهی می‌باشند.

برای مقایسه میزان آمادگی گروه‌های شغلی مختلف برای هر یک از کنش‌های مقابله با شورشگران، میانگین و انحراف معیار پاسخ‌های هر یک از گروه‌های شغلی

در هر یک از سه کنش مورد بررسی محاسبه و در جدول زیر قرار داده شد.

جدول شماره ۵- مقایسه میزان آمادگی در زنان در گروه‌های شغلی مختلف برای شرکت در کنش‌های ضدشورشگری

کنش ضدشورش	گروه‌های شغلی	تعداد (N)	میانگین (X)	انحراف معیار (S)
تظاهرات	دانش‌آموز	۴۱۴	۳/۵۱	۰/۸۳
	دانشجو	۲۷۲	۳/۳۸	۰/۸۸
	کارمند	۴۸۳	۳/۵۱	۰/۸۲
	آزاد	۱۰۷	۳/۴۱	۰/۸۵
	نظامی	۸۳	۳/۴۹	۰/۸۷
	خانه‌دار	۵۲۴	۳/۴۱	۰/۸۵
درگیری غیرمسلحانه	دانش‌آموز	۴۲۸	۲/۸۷	۱
	دانشجو	۲۹۳	۲/۸۷	۰/۹۸
	کارمند	۵۰۱	۳/۰۹	۰/۸۶
	آزاد	۱۰۴	۲/۸۱	۰/۸۱
	نظامی	۸۵	۳/۰۶	۰/۸۵
	خانه‌دار	۵۴۰	۲/۸۹	۱
مسلحانه	دانش‌آموز	۴۲۶	۲/۶۷	۰/۹۴
	دانشجو	۲۸۸	۲/۴۲	۱
	کارمند	۴۰۹	۲/۷۹	۰/۹۰
	آزاد	۱۰۷	۲/۸۷	۱
	نظامی	۸۴	۲/۷۹	۰/۸۹
	خانه‌دار	۵۲۹	۲/۵۶	۰/۹۷

میانگین‌های سه ردیف بیانگر آن است که در مجموع میزان (میانگین) آمادگی برای تظاهرات علیه شورشگران بیش از دو کنش دیگر است. اما، برای مقایسه میانگین‌های گروه‌ها در هر یک از سه کنش از آزمون آماری

تجزیه و تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد. نتایج حاصل در جدول زیر درج گردیده است.

جدول شماره ۶- تجزیه و تحلیل واریانس برای مقایسه تفاوت نمرات میزان آمادگی زنان در گروه‌های شغلی مختلف جهت انجام انواع کنش‌های ضدشورشگری

منابع تغییر	درجه آزادی	مجموع مجدورات	میانگین مجدورات	f	سطح معناداری
تظاهرات بین گروهها درون گروهها جمع	۵	۵/۲۹			
	۱۸۷۷	۱۳۳۹/۷۵	۱/۰۶	۱/۴۸	—
	۱۸۸۲	۱۳۴۵/۰۴	۰/۷۱		
درگیری غیرمسلحانه بین گروهها درون گروهها جمع	۵	۲۷/۶			
	۱۹۴۵	۱۸۲۱/۱۱	۵/۵۲	۵/۸۹	۰/۰۰۱
	۱۹۵۰	۱۸۴۸/۷۰	۰/۹۳		
مقابله مسلحانه بین گروهها درون گروهها جمع	۵	۳۶/۸۸			
	۱۹۲۷	۱۷۸۴/۴۸	۷/۳۸	۷/۳۷	۰/۰۰۱
	۱۹۳۲	۱۸۲۱/۳۷	۰/۹۲	۰/۹۲	

همان‌گونه که اطلاعات درج شده در جدول بالا نشان می‌دهد در کنش «تظاهرات علیه شورشگران» بین ۶ گروه شغلی مورد بررسی تفاوت آماری معنی‌داری وجود ندارد. اما در دو کنش دیگر بین گروه‌ها تفاوت آماری معنی‌دار وجود دارد. اجرای آزمون توکی نشان داد که در کنش «درگیری غیرمسلحانه با شورشگران» این تفاوت بین گروه «دانش‌آموزان»، «دانشجویان» و «کارمندان» وجود دارد. به تعبیر دیگر، میزان آمادگی کارمندان برای درگیری غیرمسلحانه با شورشگران بیش از گروه دانش‌آموزان و دانشجویان است. البته، میانگین آماری نظامیان نیز نزدیک کارمندان است لیکن از نظر آماری تفاوت معنی‌داری بین این گروه و گروه‌های دیگر وجود ندارد. اما، در مقوله «مقابله با شورشگران» بین

- گروه‌های زیر تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد:
- بین نظامیان و دانشجویان (میزان آمادگی نظامیان برای مقابله مسلحانه با شورشگران بیش از دانشجویان است).
 - بین شغل آزاد و دانشجویان (میزان آمادگی گروه آزاد بیش از گروه دانشجویان است).
 - بین کارمندان و خانه‌داران (میزان آمادگی گروه کارمند بیش از گروه خانه‌دار است).

رابطه متغیرهای ضدشورشگری با عوامل دیگر

رابطه متغیرهای ضدشورشگری (سه کنش ضدشورشگری) با یکدیگر و با متغیرهای دیگر با استفاده از آزمون‌های آماری پیرسون و اسپیرمن محاسبه و در جدول زیر درج گردید:

جدول شماره ۷- رابطه متغیرهای ضدشورشگری با متغیرهای دیگر

اعتماد به مسئولان	مشارکت سیاسی امنیتی	مشارکت سیاسی اجتماعی	سن	مقابله مسلحانه	درگیری غیرمسلحانه	
$r = 0/07$ $n = 1965$ $p = 0/002$	$r = 0/30$ $n = 1973$ $p = 0/001$	$r = 0/22$ $n = 1938$ $p > 0/01$	$r = 0/4$ $n = 1050$ $p = 0/005$	$r = 0/18$ $n = 1977$ $p = 0/001$	$r = 25$ $n = 1997$ $p = 0/001$	تظاهرات
$r = 0/02$ $n = 2025$ $p > 0/05$	$r = 0/15$ $n = 2031$ $p = 0/001$	$r = 0/12$ $n = 1986$ $p = 0/001$	$r = 0/04$ $n = 2119$ $p = 0/005$	$r = 0/42$ $n = 2051$ $p = 0/001$	-	درگیری
$r = 0/02$ $n = 2007$	$r = 0/17$ $n = 2031$	$r = 0/12$ $n = 1967$	$r = 0/09$ $n = 2000$	-	-	مقابله مسلحانه

$p > 0/05$	$p = 0/01$	$p = 0/01$	$p = 0/005$			
------------	------------	------------	-------------	--	--	--

از داده‌های درج شده در جدول بالا می‌توان نتایج زیر را برجسته ساخت:

۱- بالاترین ضریب همبستگی مربوط به دو مؤلفه «درگیری غیرمسلحانه» و «مقابله مسلحانه با شورشگران» است ($r = 0/42$). این بدان معنا است که با افزایش آمادگی برای درگیری غیرمسلحانه با شورشگران آمادگی برای مقابله مسلحانه با آنان نیز افزایش می‌یابد.

۲- بین هر سه کنش ضدشورشگری ضریب همبستگی معنی‌داری وجود دارد.

۳- بین هر سه کنش ضدشورشگری و مشارکت اجتماعی - سیاسی و سیاسی - امنیتی رابطه معنی‌داری وجود دارد. با افزایش آمادگی برای مشارکت اجتماعی - سیاسی و سیاسی - امنیتی میزان آمادگی برای هر سه نوع کنش ضدشورشگری فزونی می‌یابد.

همچنین رابطه میزان تحصیلات با هر یک از سه کنش ضدشورشگری نیز مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داد که ضریب همبستگی تحصیلات با تظاهرات $0/06$ ($r = 0/06$)، با درگیری $0/10$ ($r = 0/10$) و با مقابله مسلحانه $0/3-$ ($r = -0/3$) است. این بدان معنا است که با افزایش تحصیلات میزان آمادگی برای درگیری غیرمسلحانه و تظاهرات علیه شورشگران تا حدودی افزایش می‌یابد. اما با افزایش تحصیلات آمادگی برای مقابله مسلحانه با شورشگران کاهش می‌یابد که در آزمون مورد اخیر رابطه معنادار نمی‌باشد.

رابطه سابقه آموزش نظامی با آمادگی برای درگیری مسلحانه با شورشگران برای بررسی تأثیر آموزش نظامی در آمادگی آنان برای مقابله مسلحانه با

شورشگران آزمون مقایسه میانگین تی (t) استفاده شد. نتایج حاصل در جدول زیر درج گردیده است.

جدول شماره ۸- آزمون مقایسه میانگین نمرات میزان آمادگی دو گروه آموزش نظامی دیده و آموزش نظامی ندیده جهت مقابله مسلحانه با شورشگران

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معناداری
آموزش دیده	۹۵۹	۲/۸۰	۰/۹۰		
آموزش ندیده	۱۰۷۳	۲/۵۵	۱/۰۳	۵/۷۹	۰/۰۰۱

همان‌گونه که جدول بالا نشان می‌دهد بین t محاسبه شده ($t = 5/79$) و t استاندارد در سطح $p < 0/001$ تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد و این بدان معناست؛ زنانی که آموزش نظامی دیده‌اند بیش از زنانی که دوره‌های آموزش نظامی را نگذرانده‌اند، برای مقابله مسلحانه با شورشگران آمادگی دارند.

مقایسه میزان آمادگی زنان استان‌های مختلف برای کنش‌های ضدشورشگری برای مقایسه میزان آمادگی زنان در استان‌های مورد بررسی برای هر یک از کنش‌های ضدشورشگری، در وهله اول میانگین و انحراف معیار نظرات آنان در هر یک از کنش‌های محاسبه و در جدول زیر درج گردید:

جدول شماره ۹- مقایسه پاسخ‌های زنان ۸ استان در مورد هر یک از سه کنش ضدشورشگری

استان	تعداد (N)	میانگین (X)	انحراف معیار (S)
کردستان	۱۲۶	۳/۱۳	۱
کرمانشاه	۲۰۶	۲/۹۱	۱
آذربایجان	۲۵۱	۳/۳۱	۰/۸۹

تظاهرات	سمنان	۲۱۷	۳/۵۳	۰/۸۷
	خوزستان	۲۳۶	۳/۷۴	۰/۶۱
	اصفهان	۲۲۹	۳/۳۷	۰/۹۳
	تهران	۹۱۴	۳۷/۹۸	۰/۷۴
	مازندران	۱۹۰	۳/۵۴	۰/۷۸
درگیری غیرمسلحانه	کردستان	۱۶۷	۳/۰۱	۰/۹۱
	کرمانشاه	۲۱۰	۲/۷۹	۰/۹۵
	آذربایجان	۲۵۰	۲/۸۹	۰/۹۸
	سمنان	۲۲۸	۲/۶۸	۰/۹۷
	خوزستان	۲۳۷	۳/۰۱	۰/۹۸
	اصفهان	۲۳۷	۲/۷۶	۱
	تهران	۵۵۶	۳/۰۳	۰/۹۴
	مازندران	۱۹۳	۲/۹۰	۰/۹۰
مقابله مسلحانه	کردستان	۱۶۳	۲/۹۱	۱
	کرمانشاه	۲۰۵	۲/۸۳	۰/۹۷
	آذربایجان	۲۵۱	۲/۴۷	۰/۹۳
	سمنان	۲۲۸	۲/۶۱	۱
	خوزستان	۲۳۷	۲/۶۲	۰/۸۱
	اصفهان	۲۳۲	۲/۴۱	۰/۹۰
	تهران	۵۵۳	۲/۸۴	۰/۹۹
	مازندران	۱۹۰	۲/۲۵	۱

میانگین‌های درج شده در جدول بالا با استفاده از آزمون آماری تحلیل واریانس یکطرفه مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج حاصل در جدول زیر درج شده است:

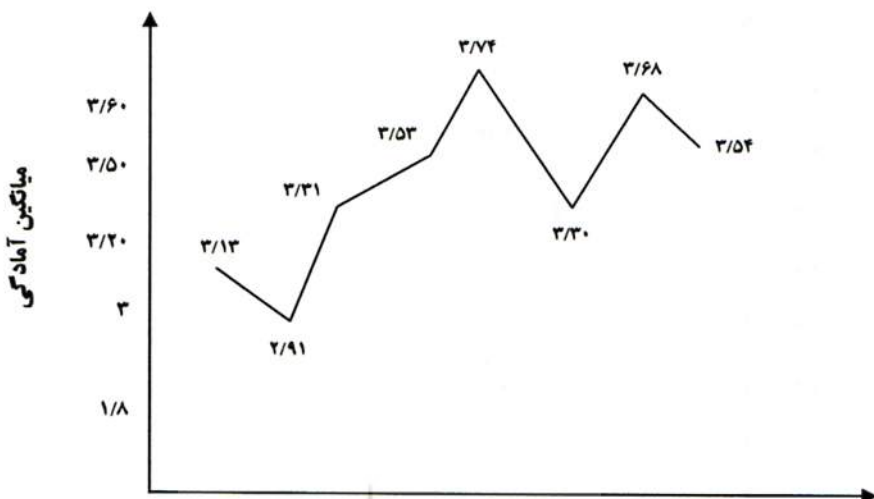
جدول شماره ۱۴- خلاصه تجزیه و تحلیل واریانس برای مقایسه میزان آمادگی

زنان ۸ استان بررسی برای کنشهای مختلف ضدشورشگری

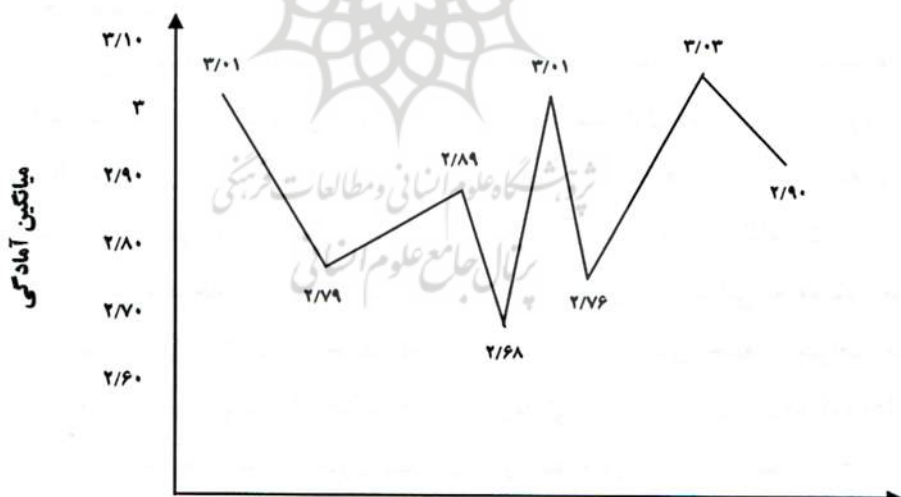
منابع تغییر	درجه آزادی	مجموع مجدورات	میانگین مجدورات	f	سطح معناداری
تظاهرات	بین گروهها	۷	۱۳۰/۴۱		
	درون گروهها	۲۰۰۱	۱۳۰۱/۳۰	۲۸/۴۴	۰/۰۰۱
	جمع	۲۰۰۸	۱۴۳۱/۷۱	۱۸/۶۳	
درگیری غیرمسلحانه	بین گروهها	۷	۳۲/۵۹		
	درون گروهها	۲۰۷۰	۱۹۱۳/۳۴	۴/۶۵	۰/۰۰۱
	جمع			۵/۰۴	

		۰/۹۲	۱۹۴۵/۹	۲۰۷۷	جمع	
			۶۸/۱	۷	بین گروهها	مقابله
۰/۰۰۱	۱۰/۵۲	۹/۷۲	۱۸۰۶/۶	۲۰۵۱	درون گروهها	مسلحانه
		۰/۹۲	۱۹۶۴/۷	۲۰۵۸	جمع	

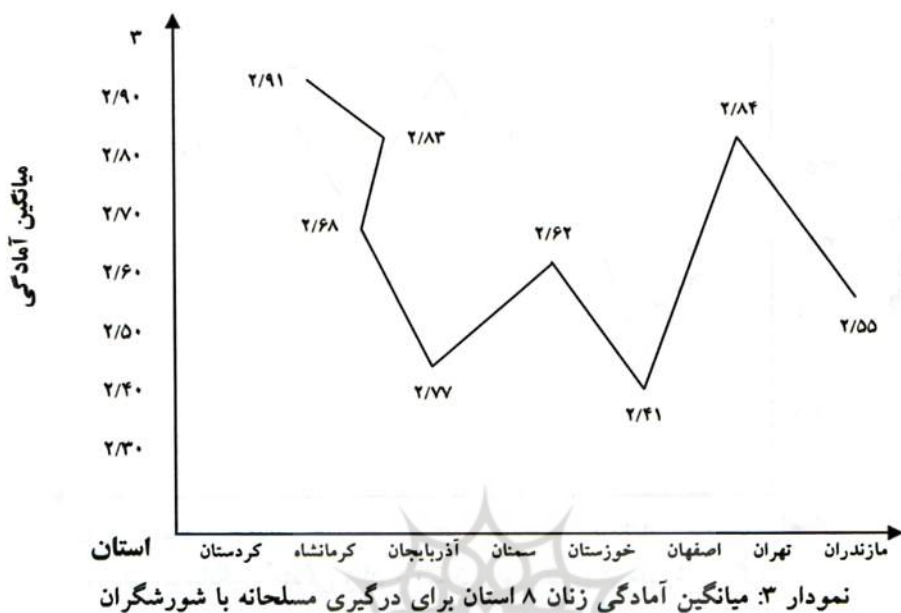
- نتایج حاصل نشان داد که در هر سه نوع کنش ضدشورشگری بین F محاسبه شده و F استاندارد در سطح $p < ۰/۰۰۱$ تفاوت آماری معنی داری وجود دارد. نتایج حاصل از اجرای آزمون توکی نشان داد که تفاوت در موارد زیر وجود دارد:
- ۱- در مؤلفه تظاهرات علیه شورشگران میزان آمادگی زنان کرمانشاهی، کردستانی کمتر از زنان ۷ استان دیگر است.
 - ۲- در مؤلفه «تظاهرات» میزان آمادگی زنان خوزستانی بیش از زنان استانهای دیگر است.
 - ۳- در مؤلفه «درگیری غیرمسلحانه با شورشگران» تنها بین زنان تهرانی و سمنانی تفاوت آماری معناداری وجود دارد. به تعبیر دیگر، میزان آمادگی زنان سمنانی برای درگیری غیرمسلحانه با شورشگران کمتر از زنان تهرانی است.
 - ۴- در مؤلفه «مقابله مسلحانه با شورشگران» میزان آمادگی زنان کردستانی بیش از زنان استانهای دیگر است.
- میانگینهای زنان استانهای مختلف در هر یک از سه مؤلفه مورد بررسی در نمودارهای زیر درج شده است:



نمودار ۱- میانگین آمادگی زنان ۸ استان برای تظاهرات علیه شورشگران



نمودار ۲- میانگین آمادگی زنان ۸ استان برای درگیری غیرمسلحانه با شورشگران



بحث و نتیجه گیری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سه دوره زمانی شاهد بروز کنش‌های اعتراض‌آمیز و اغلب مخرب و براندازانه بوده است. اول دوره زمانی مربوط به سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی است در آن سال‌ها گروه‌ها و دسته‌جات مختلف سیاسی و شبه‌نظامی ضدانقلاب با برپایی میتینگ‌ها، تظاهرات، رژه و راهپیمایی مسلحانه، ترور، کودتا و شورش‌های شهری و روستایی به مقابله فعال با نظام نوپای انقلاب پرداختند. دوره دوم؛ بروز کنش‌های جمعی اعتراض‌آمیز مربوط به سال‌های پس از جنگ (دوران سازندگی) است. در آن سال‌ها گروه‌های معترض (سازمان‌یافته و بدون سازمان) در شهرهای مختلفی همچون قزوین، شیراز، اراک و مشهد مبادرت به «آشوب‌های خیابانی» نموده و ضمن آسیب رساندن به اموال عمومی و حمله به مراکز دولتی، چالش‌هایی را برای نظام پدید

آوردند. سومین دوره زمانی بروز کنش‌های جمعی اعتراض‌آمیز؛ مربوط به سالهای آغازین پس از دوم خرداد سال ۱۳۷۶ است. در آن سال‌ها حجم مطالبات سیاسی و اجتماعی پاره‌ای از شهروندان به‌ویژه اقشار خاصی از آنان (نظیر دانشجویان) به صورت تصاعدی افزایش یافت. اما این مطالبات به زودی با مبانی نظام در تعارض قرار گرفت. حاصل این تعارض بروز کنش‌های اعتراض‌آمیزی شد که نمونه برجسته آن «حادثه کوی دانشگاه تهران» و متعاقب آن «حادثه دانشگاه تبریز» است. این دو حادثه پس از مدت زمانی کوتاه تبدیل به یک شورش و آشوب خیابانی شد و نظام را ناگزیر ساخت تا برای خاتمه بخشیدن به آن به توده‌های مردمی طرفدار نظام متوسل شود. حضور فراگیر اقشار مردمی به‌ویژه زنان طرفدار نظام خیلی زود توانست آن شورش‌ها و آشوب‌ها را خاتمه بخشد. در حال حاضر نیز جامعه دستخوش شورش پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ می‌باشد.

نگاهی به مبانی نظری کنش‌های اعتراض‌آمیز آشکار می‌سازد که در جوامعی همچون جامعه ایران همواره گروهی معترض وجود دارند که مترصد فرصتی برای بروز نارضایتی خویش هستند. گذشته از آن گروه‌های بی‌طرف نیز در صورت محقق نشدن خواسته‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی‌شان دچار «ناکامی» می‌شوند و ممکن است برای غلبه بر ناکامی خویش مبادرت به کنش‌های اعتراض‌آمیز نمایند. نهایتاً برخی از گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی نیز همچنان فعال باقی مانده‌اند (گرچه سطح فعالیت آنان به سبب وابستگی آشکارشان به بیگانگان و از دست دادن اندک حمایت‌های مردمی به حداقل ممکن رسیده است). از همین روی، ممکن است در شرایط خاص حتی به هنگام وقوع یک فاجعه طبیعی (نظیر زلزله) مبادرت به سازماندهی هواداران خود نموده و نظام را دچار بحران سازند.

به همین سبب در این تحقیق آمادگی زنان ایرانی برای مقابله با گروه‌های مخالف نظام و کنش‌گران معاند و مخالف مورد سنجش قرار گرفت نتایج حاصل نشان داد که حدود ۶۰ درصد زنان ایرانی برای مقابله با کنشگران مخالف «آمادگی کامل» دارند. حدود ۳۰ درصد مرد هستند و بقیه تمایلی برای همکاری ندارند. همچنین نتایج بیانگر آمادگی بیشتر زنان بسیجی، در مقایسه با دو گروه دیگر بود. علاوه بر آن نتایج نشان داد که اغلب زنان با این ادعا که «در شرایط بحرانی کاری از زنان ساخته نیست» مخالف‌اند.

اما نتایج مربوط به مقایسه استان‌ها جالب توجه‌تر بود. چه نتایج نشان داد که: میزان آمادگی زنان تهران و خوزستان و سمنان برای تظاهرات علیه شورشگران بیش از سایرین است. میزان آمادگی زنان استان‌های تهران، خوزستان و کردستان برای درگیری غیرمسلحانه با شورشگران بیش از سایر استان‌ها است. همچنین زنان کردستان و کرمانشاه و تهران آمادگی بیشتری برای درگیری مسلحانه با شورشگران در مقایسه با زنان سایر استان‌ها دارند.

همچنین رابطه «آمادگی برای مقابله با مخالفان و معاندان داخلی» با چند پارامتر دیگر مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که این رابطه تنها با «میزان اعتماد به مسئولان» معنادار است. میان مؤلفه «مقابله با دشمنان داخلی» و «اعتماد به مسئولان» همبستگی معنی‌دار ($r = 0/21$) وجود داشت یعنی نتایج نشان داد که با افزایش اعتماد به مسئولان (تا حدودی) میزان آمادگی برای مقابله با شورشگران و مخالفان افزایش می‌یابد.

بر اساس این نتایج می‌توان نکاتی را برجسته ساخت:

میزان آمادگی کامل زنان ایران برای مقابله با مخالفان داخلی کمتر از حد انتظار است چه، انتظار می‌رود که حداقل دوسوم زنان همواره آماده باشند که با

مخالفان به مقابله برخیزند. در حالی که نتایج این تحقیق نشان داد که تنها حدود نیمی از زنان با قاطعیت اظهار داشته‌اند که برای مقابله با دشمنان داخلی آماده همکاری هستند. عوامل چندی را می‌توان در این زمینه دخیل دانست. نخست آنکه میزان اعتماد به مسئولان اجرایی نظام چندان بالا نیست و چون این مؤلفه با آمادگی مقابله با دشمنان داخلی همبستگی معنی‌داری دارد می‌توان بخشی (و نه همه) از عدم آمادگی کامل تعدادی از زنان ایرانی برای مقابله با مخالفان را به این عامل نسبت داد. دوم آنکه، بین یک‌چهارم تا یک‌پنجم زنان ایرانی تمایل چندانی برای مشارکت در فعالیتهای موافق نظام جمهوری اسلامی ندارند. و لاجرم همین گروه رغبتی به مقابله با دشمنان داخلی نظام نیز ندارند. سوم آنکه یک‌چهارم باقی مانده احتمالاً مقابله با شورشگران و کنش‌گران معاند را اساساً کاری مردانه تلقی می‌کنند و در نتیجه علی‌رغم آنکه به نظام علاقه‌مندند تمایلی به شرکت در این‌گونه فعالیت‌ها ندارند.

منابع

۱. برکویتز، لئونارد (۱۳۷۲)؛ *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه محمدحسین فرجاد، تهران، انتشارات اساطیر.
۲. دی. ای. دواس (۱۳۸۱)؛ *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
۳. کریمی، یوسف (۱۳۷۴)؛ *روانشناسان اجتماعی: نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها*، تهران، انتشارات بعثت.
۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)؛ *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۵. لورنز، کنراد (۱۳۷۰)؛ *تهاجم*، ترجمه هوشنگ دولت‌آبادی، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۶. هرگنهان، بی. آر. و السون، ام. اچ. (۱۳۷۷): *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*، ترجمه علی‌اکبر سیف، تهران، انتشارات دوران.
7. Baron, R. A. (1992); *Psychology*, Second Edition Boston Aliyn and Bacon.
 8. Curr, T. R. (1967); *psychological Factorsin Civil Violence World Politics*, 20.
 9. Curr, T. R. (1970); *Why Men Rebel?*, NewJersey: Princeton.
 10. Doob, C. B. (1988); *Sociology*, NewYork, Holt.
 11. Freud, S. (1933); *New Introduction Lectures on Psychoanalysis*, NewYork: Norton.
 12. Kelley, H. H. (1985); *Effect of Time Limits and Task Types on Task Performance*, *Journal of Personality and Social Psychology*, 49, 395-407.
 13. Latane, B. (1981); *The Psychology of Social Impact*, *Journal of American Psychologists*, 36, 343-356.
 14. Lebon, G. (1960); *The crowd*, NewYork, Niking.
 15. Monday, M. (1997); *In Surgency, What is a name?*, Boston.
 16. Myers, D. G. (1991); *Social Psychology*, Third Edition, NewYork, McGraw-Hill.
 17. Simon, B. etal., (1995); *Human Nature in politics: The Dialogue of Psychology with Political Science*, *American political science Review*, 79, 293-304.
 18. Stewart, W. E. (1971); *Introduction to Social Psychology*, NewYork, McGraw-Hill.
 19. Taylor, S. E., etal., (2000); *Social psychology*, Fifth Edition, NewJersey: Prentice Hall.
 20. Turner, R. H. (1992); *Collective Behavior*, NewJersey: Prentic Hall.